

مبانی و اصول آزمون معیار

در اینجا هدف بررسی مبانی علمی آزمون معیار است تا اولاً جایگاه آزمون معیار به عنوان بخش مهمی از فرآیند کلی ارزیابی عملکرد در مدارس به درستی مشخص شده و از طرف دیگر دلیل انتخاب روش‌هایی که در آزمون معیار مورد استفاده قرار گرفته‌اند، نیز توضیح داده شود.

هر سیستم که از اجزای مختلفی تشکیل شده است نیازمند ارزیابی عملکرد کلی خود و اجزایش می‌باشد تا از خطر سقوط و انحطاط در امان باشد. پس سیستم آموزشی نیز نیازمند یک فرآیند اندازه‌گیری، سنجش و ارزشیابی است. ارزشیابی^۱ به طور ساده، به تعیین ارزشی برای هر چیزی یا داوری ارزشی کردن گفته می‌شود. در تعریف جامع‌تر ارزشیابی به یک فرآیند نظام‌دار برای جمع‌آوری، تحلیل و تفسیر اطلاعات گفته می‌شود تا تعیین شود که آیا اهداف مورد نظر تحقق یافته‌اند یا در حال تحقق یافتن هستند و به چه میزانی (گی، ۱۹۹۱)

در مدارس می‌توان ارزشیابی را از دیدگاه‌های متفاوتی انجام داد مثلاً ورودی‌ها، فرآیندها و خروجی‌ها مورد بررسی قرار داد. در اساس عوامل نظام آموزشی، ابزارهای اندازه‌گیری را می‌توان برای سنجش ویژگی‌های یادگیرندگان، مدرسان، سایر عوامل درون‌داد نظام آموزشی، فرآیندهای نظام آموزشی و سایر عوامل نظام آموزشی دسته‌بندی کرد. در هر صورت هدف اصلی مدارس قطعاً مهم‌ترین بخش عملکردشان است، یعنی فرآیند آموزش یا یاددهی و یادگیری. برای این مهم نیاز به یک ابزار دقیق و مناسب جهت ارزیابی پیشرفت تحصیلی، وجود دارد.

یکی از اهداف آزمون معیار سنجش برای یادگیری است. سنجش برای یادگیری بر این اساس است که آموزش و ارزیابی فرآیندهایی در هم تنیده‌اند و عبارت است از فرآیند جستجوی و تفسیر شواهد توسط یادگیرنده و معلم برای مشخص کردن وضعیت موجود عملکرد یادگیرنده و نحوی هدایت او برای رسیدن به اهداف یادگیری. سنجش برای یادگیری زمانی که یادگیری هنوز در جریان است، رخ می‌دهد. این سنجش در طول یادگیری و آموزش با هدف تشخیص نیازهای یادگیرنده و طراحی گام‌های بعدی آموزش به کار می‌رود. با این نوع سنجش به یادگیرنده بازخوردهای توصیفی ارائه می‌شود، تا او به بهبود کیفیت یادگیری اقدام کند.

آزمون‌های سنتی به دلیل ساختار خود به خواست و نیاز افرادی غیر از آزمون شونده پاسخ می‌دهند و اغلب به رتبه‌بندی کردن دانش آموزان می‌انديشند. روش آنها به نقاط ضعف آزمون شونده تاکید دارد و در مورد پیشرفت دانش آموزان حساس نیست. (ویگنیز، ۱۹۹۳) در نوع ارزیابی‌ها عموماً جزیبی‌نگر و همراه با یک دسته پرسش‌ها ناملموس و مجرد می‌باشد. در این آزمون معمولاً آن پاسخی که مغایر با پاسخ‌های از پیش تعیین شده باشد، غلط گرفته می‌شود و حتی طرح پرسش‌هایی که به دانش آموز اجازه بیان دیدگاه‌های متفاوت را بدهد، به ندرت پذیرفته می‌شود.

در سنجش برای یادگیری، دانش آموز فعال بوده و مستقیماً در یادگیری و سنجش مشارکت دارد. در این روش معلم از یادگیرنده انتظار دارد با فعالیت خود مسئولیت یادگیری را بپذیرد. یک ارزیابی مناسب که هدفش افزایش یادگیری است سه مطلب را برای یادگیرنده مشخص می‌نماید. اینک:

۱. کجا قرار است برم (نوشتن هدف های یادگیری و معرفی آن به یادگیرندگان)
۲. اکنون کجا هستم (جمع آوری شواهد و ارایه بازخورد)
۳. چگونه فاصله بین وضع موجود و مطلوب را کاهش دهم (ارایه راهکارهای بهبود یادگیری)

برگزاری آزمون معیار به معلمان کمک خواهد نمود تا در اهداف آموزشی مداغه کرده و آنها را هرچه بیشتر و بهتر برای دانش آموزان روشن نمایند. همچنین نتیجه یا کارنمای آزمون به یادگیرندگان نشان می‌دهد که در حال حاضر کجا هستند. سپس آنها با کمک معلم خود می‌توانند راهکارهای بهبود یادگیری را بیابند. (فرآیند اصلاح و بهبود)

آزمون معیار نوعی سنجش مستمر است. در واقع واژه سنجش مستمر معادل فارسی عبارت Formative Assessment است در این ترکیب کلمه Formative به معنی تکوینی، سازنده و رشد دهنده یا شکل دهنده ترجمه شده است. پس سنجش مستمر، سازنده و رشد دهنده می باشد و نوعی فرایند جمع کردن اطلاعات گیاه به هدف باغبانی کردن آن است. اما آنچه یک سنجش را از نوع رشد دهنده می‌کند، نحوی استفاده از نتایج ارزشیابی، عملکرد و کاربرد نتایج آن است و نه تعداد دفعاتی که انجام می‌شود. در سنجش و ارزشیابی رشد دهنده، استفاده از نتایج ارزشیابی قطعا به اندازه جمع‌آوری آن اهمیت دارد. ارزشیابی مستمر دانش آموزان را در فرآیند یادگیری خود سهیم می‌سازد و توان خودارزیابی را در آنان تقویت می‌کند.

آزمون معیار برای سنجش اهداف حوزه شناختی و به صورت کتبی طراحی شده است. برای ارزیابی اهداف حوزه شناختی از آزمون‌های توانایی استفاده می‌شود. آزمون‌های توانایی آموخته‌ها، مهارت‌ها و استعدادها را می‌سنجد. ویژگی‌های مهم آزمون‌های توانایی این است که هنگام اجرای آنها از آزمون شونده خواسته می‌شود تا حداکثر سعی خود را به کار بندد تا بهترین نمره ممکن را به دست آورد. (سیف، ۱۳۹۰)

اینگونه آزمون‌ها از نظر ماهیت به دو دسته عمده تقسیم می‌شوند.

الف) آزمون های هوش و استعداد: به منظور سنجش توانایی یا آمادگی افراد برای انجام کارهایی که در پیش دارد و همچنین ظرفیت او برای یادگیری‌های مختلف، مورد استفاده قرار می‌گیرد. این آزمون‌ها برای انتخاب داوطلب جهت دوره های آموزشی یا جایگزینی در این دوره های کاربرد دارد.

ب) آزمون های پیشرفت تحصیلی: به منظور سنجش میزان تسلط افراد بر یک محتوای درسی یا آموخته افراد در زمینه‌های گوناگون درسی به کار می‌رود. به طور کلی هر آزمونی که محتوای آن نمونه‌ای معرف از یک محتوای

درسی باشد (دارای اعتبار محتوایی باشد). و به منظور اندازه‌گیری دانش فعلی فرد ساخته شده باشد، بدون توجه به اینکه چگونه ساخته شده است، آزمون پیشرفت تحصیلی نامیده می‌شود.

آزمون معیار یک ابزار سنجش پیشرفت تحصیلی است. ارزیابی پیشرفت تحصیلی را می‌توان به این صورت تعریف کرد: سنجش عملکرد یادگیرندگان و مقایسه نتایج حاصل با اهداف آموزشی از پیش تعیین شده، به منظور تصمیم‌گیری درباره اینکه که آیا فعالیت‌های آموزشی معلم و کوشش‌های یادگیری دانش‌آموزان به نتایج مطلوب انجامیده است و به چه میزانی. در نتیجه در ارزیابی پیشرفت تحصیلی دو ضرورت وجود دارد: ۱- تعیین اهداف آموزشی ۲- سنجش عملکرد یادگیرندگان

این آزمون‌ها با دیدهای مختلفی دسته‌بندی می‌شوند. مثلا تشخیصی، تکوینی یا پایانی. آزمون معیار را می‌توان هم تشخیص در نظر گرفت چرا که برای بررسی نقاط قوت و ضعف یادگیری طراحی شده و هم می‌توان آن را تکوینی در نظر گرفت چرا در میان آموزش و یادگیری به دنبال ارزیابی آن و بر طرف کردن نقاط قوت و ضعفش می‌باشد.

از دیدگاهی دیگر آزمون‌ها را می‌توان به آزمون استاندارد شده یا میزان شده و معلم ساخته تقسیم نمود. در صورتی که برای ساخت آزمون مراحل نظم یافته‌ای طی شود، آزمون استاندارد شده است. این مراحل عبارتند از: ۱- محتوای درسی به صورت منظمی مورد توجه قرار گیرد. ۲- آزمون به صورت آزمایشی اجرا شود. ۳- بر اساس نتایج حاصل از اجرای اولیه و تحلیل ماده‌های آزمون، نسخه نهایی آزمون تهیه و ویژگی‌های فنی آن مشخص شود. در مقابل آزمون میزان شده، آزمون‌های معلم ساخته قرار دارد که در آن معلم با توجه به هدف‌های درسی، بدون اجرای استاندارد مراحل تدوین آزمون و با توجه به تجربه شخصی، نمونه‌ای از محتوای درسی را انتخاب و آزمون را تدوین می‌کند. آزمون معیار قطعا یک آزمون میزان شده می‌باشد.

آزمون معیار هنجاری یا ملاکی؟ هدف از آزمون هنجاری مقایسه آزمودنی‌ها با هم است در حالیکه هدف آزمون ملاکی تعیین میزان تسلط آزمودنی‌ها بر محتوای درسی است که اطلاعاتی درباره عملکرد آزمودنی نسبت به یک استاندارد فراهم می‌کند. کاربرد آزمون هنجاری برای گزینش داوطلب و امثال آن است در حالیکه کاربرد آزمون ملاکی برای هدایت آزمودنی به منظور دستیابی به سطح چیرگی می‌باشد. نمونه سؤالات هنجاری از خزانه‌ای گسترده انتخاب می‌شوند در حالیکه در آزمون‌های ملاکی نمونه سؤالات با توجه به اهداف درسی انتخاب می‌شوند. همان طور که از نام آزمون معیار مشخص است. این آزمون یک آزمون مبتنی بر ملاک و معیار می‌باشد که دنبال مقایسه یادگیری دانش‌آموزان با استانداردها و اهداف آموزشی است.

آزمون‌های پیشرفت تحصیلی کتبی را می‌توان ابتدا به دو دسته ی عینی و غیر عینی (ذهنی) تقسیم نمود. آزمون‌های عینی آزمون‌هایی هستند که هم سؤال‌ها و هم پاسخ‌ها در اختیار آزمون شونده قرار می‌گیرد و آزمون شونده درباره پاسخ‌های داده شده، اعمالی انجام می‌دهد و تصمیماتی اتخاذ می‌نماید. به همین دلیل این آزمون‌ها را بسته پاسخ گویند و شامل سه نوع اصلی صحیح و غلط، جور کردنی، و چند گزینه‌ای می‌باشند. در تصحیح برگه‌های

آزمون‌های عینی نظر شخص مصحح هیچ گونه دخالتی ندارد. در نتیجه به آنها آزمون‌های انتخاب پاسخ نیز گفته می‌شود.

دسته دیگر ابزارهای سنجش یادگیری، روش‌های ساختن پاسخ نام دارند. در این روش‌ها دانش آموزان خودشان پاسخ‌های خواسته شده را می‌سازند یا تولید می‌کنند. این آزمون‌ها که همان آزمون‌های ذهنی (غیر عینی) هستند انواع مختلفی دارند که شامل آزمون‌های تشریحی، کوتاه پاسخ، شفاهی، تولید آثار هنری یا انجام پروژه تحقیقاتی و... می‌شوند. در این آزمون‌ها در تصحیح پاسخ ممکن است نظر شخص مصحح دخالت کند. آزمون‌های انشایی تا تشریح را می‌توان به دو دسته گسترده پاسخ و محدود پاسخ نیز تقسیم بندی نمود.

در طراحی آزمون معیار می‌بایستی از هر دو دسته سؤالات عینی و ذهنی استفاده نمود. سؤالات عینی به واسطه از بین بردن نقش مصحح، امکان مقایسه را فراهم نموده و برای اهداف سطح پایین‌تر حوزه شناختی مانند اهداف دانشی و فهمیدنی می‌توانند مناسب باشند. در مقابل سؤالات ذهنی هر چند به واسطه تاثیر مصحح می‌تواند امکان مقایسه را کاهش دهد، ولی هم می‌تواند اهداف بالاتر را بسنجد و هم می‌تواند معلم را متوجه نوع نگاه دانش-آموز و در نتیجه کشف دلیل ضعف یا قوت او نماید.

تدبیری که هم برای عینی کردن آزمون و هم تشخیص قوت و ضعف یادگیری در آزمون معیار استفاده می‌شود، استخراج اهداف هر سؤال است. پس از تعیین اهداف فرعی طراح سؤال برای هر هدف یک شیوه تصحیح در نظر می‌گیرد تا معلم با توجه به شیوه تصحیح مشخص نماید که آیا دانش آموز به هدف مورد نظر رسیده است یا خیر. این امر هم موجب می‌گردد که مصحح یا معلم به نکات کلیدی مد نظر سؤالات توجه نماید و هم موجب افزایش عینیت آزمون می‌شود.

به این ترتیب معلم آینه‌ای کم ایراد روبروی خود دارد که عملکرد دانش آموز را به تفکیک هر سؤال نشان می‌دهد. همچنین با جمع‌بندی اهداف فرعی و شکل‌گیری اهداف کلی که همان اهداف اصلی هر درس می‌باشد، می‌توان در مورد نقاط قوت و ضعف هر دانش آموز و کل کلاس قضاوتی واقع بینانه انجام داد.

نگارش اول: خرداد ۱۴۰۰

باز بینی و نگارش دوم: مرداد ۱۴۰۰